مطالعه تطبیقی آموزش عالی چندزبانه در کشورهای منتخب و درس‌هایی برای ایران[1]

* علیرضا نصیری فیروز[2]
غلامرضا ذاکر صالحی[3]
مریم مشکوة[4]

چکیده

دو مورد از چالش‌های دانشگاه‌ها در قرن بیست و یکم، بین‌المللی شدن و سیاست انتخاب زبان درراه توسعه ارتباطات علمی بین‌المللی است. آموزش چندزبانه با استفاده از زبان بومی، ملی و بین‌المللی پاسخی برای این مشکل است. این پژوهش باهدف بررسی آموزش چندزبانه در کشورهای افریقای جنوبی، ایالات‌متحده، بلژیک، مالزی و استرالیا انجام شد. برای دستیابی به این هدف، مفهوم و برداشت از آموزش چندزبانه، سیاست‌های کلان، وضعیت زبان‌شناختی، برنامه‌های آموزش چندزبانه، مشکلات کاربردی، فناوری‌های آموزشی، راه‌حل‌ها و پیامدهای عملی آموزش چندزبانه در این کشورها موردبررسی قرار گرفت. روش پژوهش، مطالعه تطبیقی است. انتخاب کشورها بر اساس نمونه‌گیری هدفمند و باهدف دستیابی به بیشترین اطلاعات صورت گرفت. نتایج نشان داد، با استفاده از آموزش چندزبانه صلاحیت‌های کلیدی یادگیری مادام‌العمر و اهداف بین‌المللی شدن قابل‌دسترسی است. در این کشورها برنامه‌های آموزش چندزبانه در جهت حفظ زبان بومی، ملی و بین‌المللی پیش می‌رود. مشکلات دسترسی به مدرس باکیفیت، منابع مالی و مواد درسی مناسب از طریق مشارکت گروه‌ها حل می‌شود و از فناوری‌های چندمنظوره، شبکه‌های اجتماعی، کامپیوتر و اینترنت در آموزش چندزبانه استفاده می‌شود. راه‌حل‌ها برای حذف موانع نگرشی، قانونی و ساختاری ارائه می‌شود. نتایج این تحقیق برای ایجاد دانش لازم در مدیران، اجرای آموزش چندزبانه در دانشگاه‌ها و استفاده از تجارب ارائه‌شده درزمینهٔ آموزش چندزبانه توصیه می‌شود. پژوهشگران می‌توانند به بررسی دقیق و جزئی‌تر آموزش چندزبانه از طریق پژوهش-های کاربردی و فرصت‌های مطالعاتی مبادرت ورزند.

کلید واژگان: آموزش چندزبانه، بین‌المللی شدن، جهانی‌شدن، مطالعه تطبیقی[5]، زبان واسط

۱.مقاله حاضر بر گرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان"مطالعه تطبیقی آموزش عالی چند زبانه در کشورهای منتخب و درس هایی برای ایران" است .

۲. دانشجوی مدیریت آموزش عالی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک. nasirifiruz56@gmail.com

۳. دانشیارگروه مطالعات تطبیقی،موسسه‌پژوهش‌وبرنامه‌ریزی‌آموزش‌عالی ، پست الکترونیک: rsalehi514@gmail.com

٤.دانشیار دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه شهید رجایی، ،پست الکترونیک:mmeshkat@yahoo.com

5.Comparative study

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

مقدمه و بیان مسئله

آموزش عالی به‌عنوان نیروی محرکه توسعه پایدار و حرکت به‌سوی جامعه معرفتی دارای نقش راهبردی است. علاوه بر آن، نهاد یادشده در مزیت رقابتی کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می-کند. در این راستا، از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود که ضمن توجه به آموزش، پژوهش و خدمات، مسئولیت اجتماعی خود را بیش‌ازپیش موردتوجه قرار دهند. برای این منظور، دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی باید به مأموریت خود از طریق تدوین هدف‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌ها، چنان بازنگری کنند که قادر باشند به تولید دانش علمی بپردازند و توانایی لازم را برای عرضه دانش فنی و ترغیب نیروی انسانی باقابلیت‌های مناسب برای درک واقعیت‌های پیچیده اجتماعی جهانی و پیرامون خود فراهم آورند(بازرگان و همکاران،۱۳۸۹). برای اینکه آموزش بتواند همگام با جهانی‌سازی اقتصادی و علمی حرکت کند، بین‌المللی شدن آموزش عالی به ضرورتی تبدیل‌شده است که چالش‌های زیادی را در سطوح نهادی و سیاست‌گذاری ایجاد می‌کند. باوجوداینکه مؤسسات آموزشی با دایر کردن شعبه‌ها و برنامه‌های مشترک، چهره جهانی بهتری را برای خود می‌سازند و در بین‌المللی سازی کشور خویش مشارکت می‌کنند، اغلب انگیزه آن‌ها بالا بردن میزان درآمدشان است. شاید انگیزه کشورهای دریافت‌کننده این خدمات پیچیده‌تر باشد و احتمالاً نیاز به بالا بردن ظرفیت کشور و میل به هم‌طراز کردن اعتبار و منابع خود با یک موسسه خارجی که از کیفیت بالایی برخوردار است، جزئی از انگیزه‌های آنان باشد.(سعیدآبادی،۱۳۹۳)

یکی از اساسی‌ترین موانع کشور درراه توسعه ارتباطات علمی بین‌المللی، مشکل نبود سیاست مشخص انتخاب زبان خارجی و آموزش چندزبانه است. واقعیت این است که زبان انگلیسی به‌مثابه زبان جهانی در اجتماع علمی پذیرفته و تثبیت‌شده است و یکی از راه‌های ممکن برای ارائه تولیدات علمی کشور در سطح جهانی است(فاضلی،۱۳۹۳). راهبرد چندزبانگی به این مهم تأکید می‌کند که صحبت کردن و استفاده از زبان‌های دیگر و فهم دیگر فرهنگ‌ها ارتباط قسمت‌های مختلف جهان را میسر می‌سازد و به‌عنوان شاهراهی انسجام اجتماعی و گفتگوی فرهنگی را سبب می‌شود.

جذب دانشجویان خارجی (ذاکرصالحی،۱۳۹۵)، متون علمی و مقالات به زبان انگلیسی، تلاش برای رسیدن به مرجعیت علمی در سطح منطقه(زرافشان،۱۳۹۵)، معطل ماندن اصول ۱۵،۱۶و ۱۹ قانون اساسی(شریف،۱۳۹۱)، ترس از هژمونی زبان انگلیسی به‌عنوان واسط علم و مدیریت تنوع زبانی و وحدت بخشی به آن‌ها و اتخاذ راهبرد و سیاست مناسب برای اولویت‌بخشی به زبان‌های مهم در دانشگاه‌ها(اصغر زاده،۱۳۹۵)، موضوعاتی هستند که آموزش چندزبانه می‌تواند به آن انسجام بخشد و ارتباطات میان فرهنگی را گسترش دهد. درواقع، آموزش چندزبانه صرفاً آموزش به چند زبان یا استفاده از چند زبان برای آموزش و آموزش چند زبان نیست، بلکه یک اصطلاح ساده برای بیان یک مفهوم پیچیده است. بنابراین، بررسی آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب می‌تواند بسیار مفید و کمک‌کننده باشد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

ادبیات پژوهش

مبانی نظری آموزش چندزبانه

گروه اروپایی[1](۲۰۰۳) اصطلاح آموزش چندزبانه[2] را برای سیاست زبان مادری به‌اضافه دو زبان دیگر برای همه به کار می‌برد. یونسکو[3](۲۰۰۳) اصطلاح آموزش چندزبانه را در سال ۱۹۹۹ پذیرفت که اشاره می‌کند به استفاده از آن در آموزش با حداقل سه زبان مادری، زبان ملی، منطقه‌ای و زبان بین‌المللی. ازنظر لیونگ[4](۲۰۰۵)، آموزش چندزبانه معمولاً برای اشاره به ترویج و کاربرد بیش از یک‌زبان برای تدریس و یادگیری موضوع‌ها و برنامه درسی به کار می‌برد. آموزش چندزبانه به کاربرد دو یا چند زبان به‌عنوان واسط تدریس در برنامه درسی اشاره می‌کند(شاه و احمد[5]،۲۰۰۷) و هدف آن توانا ساختن دانشجویان به یادگیری، رشد دانش و مهارت‌ها در موضوعات علمی به زبان مادری است، درحالی‌که آن‌ها زبان‌های جدیدی را هم یاد می‌گیرند(کرافورد[6]،۲۰۰۲). به استفاده از دو یا چند زبان برای خواندن و نوشتن و آموزش دادن، آموزش چندزبانه گفته می‌شود. اغلب بخشی از سیستم رسمی جوامع حداقلی یا زبانی است که می‌توانند خودشان را معرفی کنند و از زبان‌های ملی و اداری دیگری نیز استفاده کنند. در حالت ایدئال، یادگیری و خواندن و نوشتن با زبان اولیه فراگیر شروع می‌شود و زبان‌های دیگر که به‌تدریج معرفی می‌شوند. این نوع آموزش، آموزش اول زبان اول نیز گفته می‌شود(گریگول[7] و همکاران،۲۰۱٤)

بیلی استوک[8](۲۰۱٦) آموزش چندزبانه را برای هر برنامه‌ای که بیش از یک‌زبان را در برنامه درسی برای آموزش موضوعات غیرزبانی دانشگاهی یا زمانی که زبان‌آموزشی، با زبان مادری و کشور هماهنگی ندارد، به کار می‌برد. بحث‌ها در مورد آموزش چندزبانه عمدتاً بر میزان استفاده از زبان‌ها به‌عنوان واسط آموزش و تعداد مواد درسی ارائه‌شده با این زبان‌ها متمرکز است که بیشتر به حوزه برنامه‌ریزی درسی تعلق دارند. درواقع برنامه درسی چند-زبانه، تعریف عملیاتی آموزش چندزبانه است و به مجموع دروس ارائه‌شده در چند زبان اشاره دارد. برنامه درسی چندزبانه از مزایای چند زبان به‌منظور تدریس زبان، مواد و موضوعات درسی برخوردار است. برنامه‌های درسی چندزبانه با توجه به مدت‌زمان معرفی هر زبان، انتخاب و تدریس محتوی موضوع درسی متفاوت هستند.

1. Council of Europe
2. Multilingual education
3. UNESCO
4. Leung
5. Shah & Ahmad
6. Crawford
7. Grigule
8. Bialystock

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

در چارچوب این تفاوت‌ها بر اهمیت زبان مادری تأکید می‌شود و این باور وجود دارد که در صورت استفاده از زبان‌های دیگر، یادگیری واقعی برای فراگیران تحقق پیدا می‌کند.(بریسک[1]،۲۰۰٦)

اسکوتناب-کانگاس و مک کارتی[2](۲۰۰۷) آموزش چندزبانه را، استفاده از دو زبان یا بیشتر به‌عنوان واسط آموزش می‌دانند. این تعریف بر اساس استفاده از زبان به‌عنوان زبان‌های آموزش و نه به‌عنوان موضوع درسی بیان‌شده است. تعریف مشابهی نیز توسط کامینز[3](۲۰۰۲) بیان‌شده است و اصطلاح آموزش چندزبانه، به استفاده از دو یا چند زبان‌آموزشی در بخشی از حرفه تحصیلی فراگیر اطلاق می‌شود. برای آموزش موضوع درسی، از دو یا چند زبان استفاده می‌شود(کامینز،۲۰۰۷). می[4](۲۰۰۷) خاطرنشان می‌کند که کلید تعریف برنامه آموزش چندزبانه این است که چند زبان، به‌عنوان واسط آموزش به‌کاربرده می‌شوند، اما تعریف دیگری که بیان می‌شود این است که آموزش چند زبان شامل استفاده از بیش از دو زبان در آموزش است، به‌شرط اینکه چندزبانگی و چند نوشتاری در محیط آموزشی حکم‌فرما باشد.

در سمینار دانشگاهی گلیون[5]، چالش‌های آموزش عالی در هفت عنوان شامل محیط در حال تغییر، رسالت، آموزش دانشجویان، حرفه علمی، تأمین مالی آموزش عالی، اداره امور دانشگاه‌ها و مقایسه ایالات‌متحده با اروپای غربی تقسیم‌شده است(یوسفیان،۱۳۸۱). درباره محیط در حال تغییر، رسالت‌ها و آموزش دانشجویان برای اصلاح برنامه‌های درسی و پاسخگویی به جهانی‌شدن، آموزش چندزبانه پاسخی به موضوع بین‌المللی شدن است.

آموزش چندزبانه دارای مزایای بسیار و خطرات بسیار کمی است. افراد چندزبانه به اطلاعات وسیع‌تری دسترسی دارند، دارای مغزهای انعطاف‌پذیر هستند، بسیار سازگار و آزادمنش هستند و الگوهای تفکر و جهان-بینی آن‌ها متعادل‌تر است. حفظ هویت و میراث فرهنگی، تصدیق حقوق زبانی و بهبود ارتباطات بین نسلی از فرصت‌های آموزشی چندزبانه است. هدف حقوق زبانی بشر ارتقای عدالت زبانی و حذف یا ممانعت از نابرابری‌های زبانی و بی‌عدالتی است که ممکن است به خاطر زبان اتفاق بیافتد. مزایای حاصل از این حقوق شامل به رسمیت شناختن هویت فردی و جمعی است. اغلب نگرانی‌ها در مورد جنبه‌های منفی چندزبانگی آشکارا به موضوعات فرهنگی، زیبایی‌شناسی و آموزش ارتباط دارند که دغدغه‌های افراد درگیر در چندزبانگی را پنهان نگه می‌دارد. این مسائل موردبحث به مواردی چون سلطه گرایی، نخبه‌گرایی، قومیت‌گرایی، کنترل اقتصادی، پایگاه اجتماعی و امنیت گروهی بسیار نزدیک می‌باشند.(بیتنز[6]،۲۰۰۳)

---

1. Brisk
2. Skutab-Kangas & Macarty
3. Cummins
4. May
5. Gillion
6. Baetens

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

در آموزش چندزبانه و استفاده از زبان به‌عنوان واسط ارتباطات بین مردم، مشخصه‌ای وجود دارد که درهرحال نباید فراموش کرد و آن این است که هرگونه تخطی از حقوق انسانی در زبان به‌طور اجتناب‌ناپذیری منجر به تباهی زندگی انسان، برهم زدن توازن ذهنی از طریق تحریک واکنش نامناسب بیرونی خواهد شد. واقعیت مدرن سه سطح درباره استفاده از زبان چون ارتباطات روزمره اجتماعی، حرفه‌ای، اجرایی و تعاملات عمومی را مشخص می‌کند. مشکل زبانی ملموس برای توده عوام، مشکل فرهنگی است. مشکلات زبانی مستقیم، به‌طورقطع علت تضادهای اجتماعی آشکار و در مقیاس گسترده خواهد شد.(گوربونوا[1]،۲۰۱۳)

موفقیت یا شکست در حل مشکل زبانی تا حدی بستگی به فرایندهای فرهنگی- اجتماعی درون کشور و وضعیت ارتباطات با کشورهای همسایه دارد. مشکل آموزش چند فرهنگی در سطح منطقه‌ای و جهانی نه‌تنها وجود دارد، بلکه یک واقعیت است. در قرن بیست‌ویک مدرس برای آموزش چندزبانه، مسلط بودن به چند زبان و آشنایی با روش‌شناسی آموزش چندزبانه مهم است. توسعه حرفه‌ای مدرسان آموزش چند فرهنگی، شامل ایده‌های کلیدی چون آموزش مستمر و پیشرفت‌های نوین در تربیت چند فرهنگی متخصصین است.(همان)

جذب دانشجویان خارجی (ذاکرصالحی،۱۳۹۵)، متون علمی و مقالات به زبان انگلیسی، تلاش برای رسیدن به مرجعیت علمی در سطح منطقه(زرافشان،۱۳۹۵)، معطل ماندن اصول ۱۵،۱۶و ۱۹ قانون اساسی(شریف،۱۳۹۱)، ترس از هژمونی زبان انگلیسی به‌عنوان واسط علم و مدیریت تنوع زبانی و وحدت بخشی به آن‌ها و اتخاذ راهبرد و سیاست مناسب برای اولویت‌بخشی به زبان‌های مهم در دانشگاه‌ها(اصغر زاده،۱۳۹۵)، موضوعاتی هستند که آموزش چندزبانه می‌تواند به آن انسجام بخشد و ارتباطات میان فرهنگی را گسترش دهد. درواقع، آموزش چندزبانه صرفاً آموزش به چند زبان یا استفاده از چند زبان برای آموزش و آموزش چند زبان نیست، بلکه یک اصطلاح ساده برای بیان یک مفهوم پیچیده است. بنابراین، بررسی آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب می‌تواند بسیار مفید و کمک‌کننده باشد.

1. Gorbunova

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

روش‌شناسی تحقیق

ماهیت و نوع مطالعه بررسی تطبیقی است که بر اساس رویکرد(کیفی)، بر اساس هدف(کاربردی)، بر اساس زمان (مقطعی) و شیوه بررسی توصیفی- تحلیلی(اسنادی) است. این پژوهش از نوع مطالعه تطبیقی کیفی است که در آن آموزش چندزبانه توصیف، و اشتراک‌ها و تفاوت‌ها در کشورهای منتخب موردبررسی قرارگرفته است. جامعه آماری، کشورهای دارای آموزش چندزبانه است که به‌صورت طبقه‌ای به پنج قاره تقسیم و نمونه موردنظر بر اساس شیوه نمونه‌گیری هدفمند(قضاوتی)، انتخاب‌شده است. پاتون[1](۲۰۱۵)، نمونه‌گیری هدفمند را از روش‌های نمونه‌گیری غیر تصادفی می‌داند که در آن از نمونه‌هایی استفاده می‌شود که درباره موضوع اصلی پژوهش، بیشترین اطلاعات را به ما می‌دهد. نمونه، شامل افریقای جنوبی(دانشگاه کیپ تاون)، ایالات‌متحده(دانشگاه بوستون)، بلژیک(دانشگاه گنت)، مالزی(دانشگاه مالیا) و استرالیا(دانشگاه ملبورن) است. برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از نتایج پژوهش‌ها و مطالعات تطبیقی انجام‌شده، مقاله‌ها و اسناد، گزارش‌ها، کنفرانس‌ها، مکاتبه با پژوهشگران مرتبط با موضوع، دایره المعارف‌ها و بانک‌های اطلاعاتی موجود استفاده‌شده است. جمع‌آوری داده‌ها تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که قرابت و نزدیکی زیادی بین اطلاعات حاصل شود، به‌گونه‌ای که ادامه کار همپوشانی و تکرار محسوب می‌شد. عدم مصاحبه با صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان در محیط آموزش چندزبانه و عدم مشاهده حالت عملیاتی آموزش چندزبانه به‌صورت برنامه درسی از محدودیت-های پژوهش حاضر است. چون داده‌ها به‌صورت واژه‌ها و نه ارقام و یا به عبارتی داده‌های کیفی بودند، برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به توصیف و تشریح شرایط محیطی پدیده آموزش چندزبانه پرداخته شد و ابراز نظر کلی در مورد روابط بین طبقه‌هایی از داده‌ها صورت گرفت. جهت تنظیم تحلیل داده‌های کیفی، از روش سه مرحله-ای تلخیص داده‌ها، عرضه داده‌ها و نتیجه‌گیری استفاده شد. مطالعه تطبیقی جرج بردی[2] لهستانی، از چهار مرحله توصیف، تفسیر(ارزیابی و برآورد)، هم‌جواری و مقایسه تشکیل‌شده است. برای پایایی، ثبات و سازگاری تلاش شد، مفاهیم و اصطلاحات بر اساس تعریف خاص در نظر گرفته شود. خود بازبینی[3] محقق، تائید پذیری(وارسی داده‌های خام در طی جمع‌آوری و تحلیل) و نظرات متخصصین راهنما به روایی پژوهش کمک می‌کرد.

1. Patton
2. George Beredy
3. Self-monitoring

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

فرایند پژوهش

الف) مرحله توصیف[1]:

در این مرحله به توصیف آموزش چندزبانه بر اساس اطلاعات از منابع(اسناد، گزارش‌ها، مقالات) جمع‌آوری‌شده پرداخته شد. درواقع مرحله یادداشت‌برداری و تدارک اطلاعات برای بررسی در مرحله بعدی است.(آقازاده،۱۳۹۲)

افریقای جنوبی[2]

آموزش چند زبانی به استفاده از زبان انگلیسی در راستای زبان‌های اول فراگیران و یادگیری زبان اضافی ترجیحاً افریکانس یا زوخا[3] گفته می‌شود. در قانون اساسی در سال ۱۹۹۳ زبان به‌عنوان حقوق انسانی شناخته‌شده و چندزبانگی به‌عنوان میراث معنوی کشور تلقی گردیده است(مادیبا[4]،۲۰۱۰). افریقای جنوبی دارای ۱۱ زبان رسمی است و در این کشور بسیاری از سفیدپوستان افریقای جنوبی به زبان‌های اروپایی مانند پرتغالی، آلمانی و یونانی صحبت می‌کنند و بسیاری از آسیایی‌های مقیم افریقای جنوبی و هندی‌ها به زبان آسیای جنوبی مانند هندی گوجاراتی و زبان تامیل صحبت می‌کنند. به علت تنوع نژادی در کشورهای افریقای جنوبی، فرهنگ "واحدی"[5] در این کشور نمی‌توان یافت(عزیزی،۱۳۹۵). برنامه زبانی باهدف کاربرد طراحی‌شده است و دانشگاه کیپ تاون متعهد به ارتقای سه زبان انگلیسی، افریکانس و زوخا می‌باشد که سه زبان اداری ایالت کیپ غربی می‌باشد. برنامه همچنین راهبردهایی برای توسعه مهارت و هشیاری چندزبانگی مشخص کرده است. دانشجویان سفیدپوست در استفاده از زبان برای یادگیری مشکل‌دارند. دانشجویان سیاه‌پوست مشکل سخنرانی، فهم سؤالات امتحان و ارتباط کامل با مدرسان را مطرح می‌کنند. تحصیل در مدارس غیر برخوردار، نداشتن دانش نسبت به‌ضرورت و اهمیت آن را نیز به این مشکلات می‌توان افزود(بالدوف[6]،۲۰۰۶). پروژه آموزش چندزبانه[7] راهبرد توسعه هشیاری انتقادی میان کارکنان، هشیاری چند زبانی میان دانشجویان و ارتقای چندزبانگی در برنامه‌های آموزش و یادگیری را پیشنهاد کرده است. پایگاه داده‌ها، نامه‌های الکترونیکی، وب‌سایت، گفت‌وگوی اینترنتی، وب لاگها و ویکی‌ها را هم می‌توان افزود(بوچر[8]،۲۰۰۸). مدل مدیریت زبانی

---

1. Description
2. South Africa
3. Xhosa
4. Madiba
5. Unique
6. Baldauf
7. Multlingual education project(MEP)
8. Butcher

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

تلاش می‌کند تا توضیح دهد که چگونه مشکلات زبانی در استفاده دانشجویان از زبان پدید می‌آید. در این مدل سخنوران و استفاده‌کنندگان زبانی باید بخشی از فرایند کل برنامه‌ریزی زبانی را شکل دهند و از شناسایی مشکلات زبانی به سمت راه‌حل‌ها حرکت کنند(اسپالسکی[1]،۲۰۰۷). پیامدهای آموزش چندزبانه متعدد هستند و بر اساس پیامدهای زبانی و سیاسی و اجتماعی مرتب می‌شوند. منافع آموزش چندزبانه نه‌تنها در آموزش رسمی بلکه در شرایط غیررسمی مانند خانه‌ها هم اتفاق می‌افتد. چندزبانگی منبع مهمی برای بیان دانشی که داریم هست. چندزبانگی یک فضای رقابتی در بازار شغلی ایجاد می‌کند و به‌عنوان یک مزیت برتر نزد کارفرماها به‌حساب می‌آید.(ادویواکال[2]،۲۰۱٤)

ایالات‌متحده[3]

دانشگاه بوستون سه برنامه منجر به مدرک در زمینه آموزش دوزبانه و چندزبانه ارائه می‌دهد. بوستون یک دانشگاه خصوصی بزرگ چهارساله است و در زمینه تجارت، علوم انسانی و اجتماعی، ریاضیات و علوم پایه، حقوق، مهندسی، فناوری کامپیوتر، مهمان‌داری، هنر و طراحی و مراقبت‌های بهداشتی فعالیت دارد(شاه و احمد،۲۰۰۷). تعلیم و تربیت چندزبانه در امریکا چهار دوره"سهل گیری"، "محدودسازی"، "فرصت"، و "کم‌توجهی و بی‌اعتنایی" را پشت سر گذاشته است. سیاست آموزش به‌طورکلی و سیاست زبانی به‌صورت خاص یک‌روند و فرایند چندلایه است و این نیاز به اطلاعات تجربی در زمینه‌های محلی دارد(جانسنز،۲۰۱۳). ازنظر تاریخی، ایالات‌متحده ملت مهاجران بوده است، بیشتر مردم امریکا به انگلیسی صحبت می‌کنند، درحالی‌که اقلیت به زبان خودشان چون اسپانیایی، چینی، ویتنامی و لاوتیانز[4] صحبت می‌کنند(جانسنز[5]،۲۰۱۳). رویکرد فراگیری زبان غوطه‌ورسازی است که بر آموزش فشرده زبان دوم تمرکز دارد. آموزش زبان انگلیسی عنصر مهم در رویکرد غوطه‌ورسازی برای آموزش فراگیران زبان دوم در ایالات‌متحده است(کرافورد[6]،۲۰۰۲). ایالات‌متحده به علت تنوع زبانی با کمبود مدرسی که در آموزش چندزبانه آموزش‌دیده باشد، روبروست. مواد درسی که به زبان مادری دانشجو باشد اندک است، به‌طوری‌که زبان نوشتاری برای زبان مادری وجود ندارد. اغلب آموزش چندزبانه، به خاطر فقدان مهارت‌های دانشگاهی و فرصت‌های آموزشی دانشجویان زبان اقلیتی موردانتقاد قرار

1. Spolsky
2. Odoyo Okal
3. United States
4. Lavtians
5. Janssens
6. Crawford

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

می‌گیرد(جانسنز،۲۰۱۳). در بیشتر موارد رویکرد نگهدارنده و فناوری‌های مهم آن برای فراگیرانی به کار می‌رود که اخیراً وارد ایالات‌متحده شده‌اند و زبان انگلیسی را نمی‌فهمند(اسکمیت[1]،۲۰۰۹). مهم‌ترین گام برای حل مشکلات در آموزش چندزبانه استقرار دفتر یا اداره‌ای برای امور آموزش چندزبانه و زبان‌های اقلیتی است. این می‌تواند به فرصت آموزشی برابر کمک کند. دانشگاه‌ها باید برنامه‌های چندزبانه را توسعه دهند تا کمبود مدرس فعلی را حل کنند. گروه‌های زبانی از سازمان‌های خودشان می‌توانند مواد درسی را فراهم کنند(جانسنز،۲۰۱۳). آدسوپ، لاوین، تامپسون وآنگریدر[2] (۲۰۱۰) فواید کلی من‌جمله هشیاری فراشناختی و فرازبانی، کنترل تمرکز، و حل مسئله را در آموزش چندزبانه موردتوجه قرار می‌دهند.

بلژیک[3]

برای هر شهروند اروپایی، مهارت داشتن در چندین زبان یک دارایی غیرقابل‌انکار است. در بلژیک، دانش پویای دو زبان هلندی و فرانسوی نقش اساسی در زندگی روزانه اقتصادی، فرهنگی بازی می‌کند(لیون[4]،۲۰۰٤). با توافقات به‌عمل‌آمده ابتدا بلژیک به یک کشور دوزبانه با شرایط اصل شخصیتی و اصل سرزمینی تبدیل گردید. بر اساس اصل شخصیتی، هر شهروندی آزادی کامل برای استفاده از هر زبانی در مراجعه به ادارات و مقامات را دارا می‌باشد و بر اساس اصل سرزمینی، زبان رسمی در هر منطقه خاص محدود به زبان ساکنان مرزهای آن سرزمین برای استفاده در کلیه مراجعات رسمی و اداری می‌باشد(عزیزی،۱۳۹۵). در بلژیک، مردم می‌توانند به هر زبانی که می‌خواهند صحبت کنند. آزادی انتخاب زبان در قانون به این معناست که شما می‌توانید تصمیم بگیرید چه زبانی را در ارتباطات، فرهنگ و تجارت یا مذهب به‌کارگیرید. مثل دیگر کشورها بلژیک دارای زبان‌های اداری هلندی، فرانسوی و آلمانی هست(جانسنز،۲۰۱۳). بیشتر مؤسسات، مهارت زبان هلندی برای برنامه‌ها را نیاز دارند، زیرا برنامه‌ها به زبان هلندی ارائه می‌شود و یک تست زبان مقدماتی برای آموزش برنامه-ها در زبان دیگر برگزار می‌شود. در دانشگاه‌هایی که زبان واسط آموزش هلندی است، منجر به استفاده بیشتر از دوره‌هایی می‌شود که به زبان انگلیسی ارائه می‌شوند(همان). فقدان مدرس ماهر در آموزش چندزبانه مشاهده می‌شود و به این معناست که افرادی که حرفه‌ای بتوانند مهارت‌های مختلف را هم‌زمان داشته باشند، وجود ندارند. کاربرد فشرده آموزش چندزبانه به‌ویژه زبان بین‌المللی انگلیسی در برنامه‌ها ممکن است هویت فرهنگی کشورها را به‌ویژه در زبانشان تهدید کند و افراد ریشه و فرهنگ خود را فراموش کنند. تمرین‌ها، تکالیف، پروژه‌ها محور فعالیت هستند. آموزش از راه دور بخشی از تجربه یادگیری است. برنامه‌های آموزش هم‌زمان،

1. Schmit
2. Adesope, Lavin, Thompson & Ungereider
3. Belgium
4. Leevwen

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

محیط ایدئال یادگیری است(مارتنز[1]،۲۰۱۱). برای روبرو شدن با واقعیت‌های زندگی روزمره و دانشگاهی، وزارت آموزش فلیمیش[2] تأکید کمی بر روی استفاده از قانون زبانی دارد، ولی مصمم است که همه مدرسان، آزمونی را بگذرانند که ثابت کند که آن‌ها استاندارد سی ۱[3] در اروپا را به دست آورده‌اند. مدرسان زبان خارجی، نه آن‌هایی که به هلندی آموزش می‌دهند، بایستی استاندارد بی ۲[4] را برای زبان به دست آورند تا بتوانند به‌طور کامل در یک محیط هلندی‌زبان فعالیت کنند(جانسنز،۲۰۱۳). آموزش چندزبانه نشانگر پرستیژ و منبع درآمدی فوق‌العاده برای بازار کار در دانشگاه‌ها می‌باشد. بین‌المللی شدن، مبادله دانشجو، اشتغال پذیری فارغ‌التحصیلان از پیامدهای مهم آموزش چندزبانه به‌عنوان میانجی آموزش در کشور بلژیک است.(ناهر[5]،۲۰۱۲)

مالزی[6]

برداشت جامعه مالزی برای استفاده از زبان خاصی به‌جای زبان مادری، درهم‌تنیده است، بعضی از آن‌ها برداشت و نگرش مثبت برای استفاده از زبان دیگری مانند انگلیسی دارند، درحالی‌که بعضی دیدگاه متضادی دارند(شاه و احمد[7]،۲۰۰۷). قانون آموزشی در سال ۱۹۵۲میلادی تصویب شد. درنتیجه هیئت ویژه‌ای آن را راه‌اندازی کردند تا سیاستی را طراحی کنند که زبان مالایا را تبدیل به زبان ملی کنند و درعین‌حال زبان‌ها، فرهنگ‌ها و نژادهای دیگر مالایا که در منطقه ساکن بودند را حفظ کنند. پیشنهاد این هیئت، بخشی از گزارش هیئت آموزش در سال ۱۹۵٦ بود که معمولاً به آن گزارش رازاک[8] می‌گفتند. این پیشنهادها مبنای قانون آموزشی سال ۱۹۵۷ میلادی شد که سیاست آموزش این کشور را پایه‌گذاری کرد(ذاکر صالحی،۱۳۹۱). مالزی سیزده ایالت دارد که نه ایالت در شبه‌جزیره مالزی و دو ایالت در شرق مالزی هستند و از طریق دریایی در جنوب چین از هم جداشده‌اند. جمعیت تقریبی آن ۳۰ میلیون نفر است که ۵۹٪ مالایایی، ۲۲٪ چینی و ۹٪ هندی و بقیه زبان‌ها هستند. درحالی‌که زبان مالایا میانجی آموزش در مدارس ملی است، زبان چینی و تامیل[9] میانجی آموزش در سطح مقدماتی به کار می‌رود. زبان انگلیسی هم به‌عنوان موضوع درسی در سطح ملی به کار می‌رود. کمبود مدرس در این کشور هم در مالزیایی بهاسا و هم انگلیسی به چشم می‌خورد. کمبود مواد درسی هم در زبان مالایایی و هم در مواد درسی انگلیسی وجود دارد. انتقادات ساختاری در آموزش چندزبانه موجود پذیرفته‌شده است (شاه و احمد،۲۰۰۷). مواد درسی سازمان‌یافته و تجهیزات در دسترس دانشجویان قرار دارد. ضبط‌صوت، نوارهای

1. Martens
2. Flemmish
3. C1
4. B2
5. Naher
6. Malaysia
7. Shah & Ahmad
8. Razak
9. Tamil

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

ویدیویی، برنامه‌ها و بازی‌های یادگیری زبان از طریق کامپیوتر در کلاس‌ها به‌کاربرده می‌شوند. بخشی از کلاس یا کتابخانه برای این امکانات اختصاص‌یافته است. حل مشکلات برداشت از زبان از طریق رسانه انجام می‌گیرد. نوعی ارزیابی از برنامه‌ها وجود دارد. امکان پیشرفت وجود دارد و این می‌تواند منجر به استقرار آموزش چندزبانه بهتر شود(شاه و احمد،۲۰۰۷). واضح است که هدف اصلی آموزش چندزبانه جذب دانشجویان بین-المللی است. انگیزه‌های چنین حالتی تمایل برای ارتقا رتبه بین‌المللی است. چشم‌انداز مالی هم قطعی به نظر می‌رسد.(کرک پاتریک[1]،۲۰۱۰)

استرالیا[2]

جمعیت متنوع و گوناگون استرالیا بیش از سیصد زبان استرالیا را به یکی از مهم‌ترین کشورهای چندزبانه در دنیا تبدیل کرده است. بااین‌حال طرز فکر تک فرهنگی که می‌گوید زبان انگلیسی کافی است، با یک بحران در حوزه آموزش خارجی مواجه خواهد شد(محبی،۱۳۹۵). در رابطه با زبان و برنامه‌ریزی زبانی، استرالیا و ایالات‌متحده از جهاتی باهم شبیه هستند. همه استرالیایی‌ها سطح بالایی از خواندن و نوشتن به زبان استاندارد انگلیسی استرالیایی به دست می‌آورند. همه استرالیایی‌ها به چندزبانگی چه از طریق حفظ زبان‌هایی غیر از انگلیسی به‌جای انگلیسی تلاش می‌کنند. زبان‌های بومی و جزیره‌ای به‌عنوان میراث واحد و غیرقابل جایگزین استرالیا موردتقدیر هستند و برای حفظ و ذخیره آن‌ها تلاش می‌شود(بیانکو[3]،۲۰۰۳). تنوع زبانی نسبت به مکان‌های دیگر دنیا بیشتر است و اکولوژی زبانی بیانگر تنوع ساختاری در این کشور است. کاربرد چندین مهارت زبانی شاخص پایگاه اجتماعی است. زبان‌های اروپایی شامل فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی و لالی است. زبان‌های آسیایی اصولاً کره‌ای، چینی، اندونزیایی و ژاپنی است.(همان)

استرالیا جزء جدی‌ترین کشورها در فرایند بین‌المللی شدن می‌باشد و تمرکز اصلی در به‌کارگیری دانشجو، آموزش و حمایت بوده است. هیچ دانشگاهی نیست که از این فرایند تأثیر نپذیرفته باشد(پروتچ[4]،۲۰۱۵). چهار مشکل توانایی زبان مدرسان، مهارت دانشجویان، روش‌های نامناسب و منابع ناکافی در آموزش چندزبانه به چشم می‌خورد. دانشجویان در ابراز خود به زبان انگلیسی مشکل‌دارند و بر عملکرد و فهم آن‌ها به‌خصوص در بخش شنیداری تأثیر می‌گذارد. دسترسی به زبان غالب، هم‌زمان با دسترسی به مطالب نوشتاری و گفتمان‌های قوی در سطح دانشگاهی تأثیر منفی می‌گذارد(لیبوتیز،۲۰۰۵). دانشگاه‌های استرالیایی برای ایجاد یادگیری شبکه‌ای و آموزش از طریق فناوری در سطح کوچک تا ارتباطات چهره به چهره در تلاش هستند(پروتچ،۲۰۱۵). برنامه‌های آموزش چندزبانه هم در دانشگاه‌های خصوصی و هم دانشگاه‌های دولتی به کار گرفته می‌شوند. دلیل

1. Kirk patrick
2. Australia
3. Bianco
4. Prutsch

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

استقرار چنین برنامه‌هایی کیفیت‌بخشی زبان انگلیسی در ارتباط با محتوی است(برنز[1]،۲۰۰۵). گورسن جین[2] معتقد است صلاحیت ارتباطی شخص چندزبانه قابل‌مقایسه با تک‌زبانه نیست. (گروسجین،۲۰۰۸). کوک[3](۲۰۰۳) معتقد است که یادگیری زبان دوم یا اضافی بر روی نظام شناختی تأثیرگذار است و خلاقیت افراد چندزبانه به خاطر تجربه غنی از زبان‌ها بیشتر است .

ب) تفسیر[4] (ارزیابی و برآورد):

در مرحله تفسیر(ارزیابی و برآورد)، بر روی اطلاعات مرحله قبل با توجه به بافتار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تحلیل گذاشته شد و از اصول و شیوه‌های مرسوم در علوم اجتماعی استفاده گردید درواقع، جمع‌بندی پژوهشگر و تحلیل گذاشتن بر روی اطلاعات است.(آقازاده،۱۳۹۲)

افریقای جنوبی: با توجه به تنوع زبانی در افریقای جنوبی و پذیرش یازده زبان به‌عنوان زبان اداری در قانون اساسی، در سطح ملی، زمینه خوبی برای رشد آموزش چندزبانه در این کشور فراهم آمده است. آموزش چندزبانه برای حفظ حقوق زبانی همه جوامع موردحمایت قرار می‌گیرد، درحالی‌که زبان انگلیسی به‌عنوان میانجی آموزش از وضعیت بهتری برخوردار است. به کار بردن سیاست چندزبانگی در آموزش عالی به برابری دسترسی و موفقیت اطمینان می‌بخشد. چالش مهم آموزش چندزبانه در افریقای جنوبی دستیابی به زبان انگلیسی بدون پدید آمدن هژمونی[5] زبانی است. پیامدهای آموزش چندزبانه بر اساس پیامدهای زبانی، سیاسی و اجتماعی مرتب می‌شوند. **ایالات‌متحده:** در ایالات‌متحده، آموزش چندزبانه به سمت تک‌زبانگی پیش می‌رود، شاید هم دلیلش این باشد که زبان انگلیسی، زبان برتر است و ازنظر اقتصادی پیشرو هستند و بازار داخلی بسیار بزرگی را دارا می‌باشند، فاصله جغرافیایی زیادی با آسیا و اروپا دارند و ارزش‌های فرهنگی‌شان ویژه است. استفاده از واژه‌هایی چون آموزش چند راهه، آموزش غوطه‌ورسازی تا حدی برای ضعیف کردن اثرگذاری آموزش چندزبانه می‌باشد. آموزش چندزبانه، احتمالات خوبی برای آماده کردن نسل نو برای شرکت در ساختن جامعه دموکراتیک در دنیای بین فرهنگی و جهانی فراهم کرده است. **بلژیک:** تقاضای بازار کار در عرصه بین‌المللی به

1. Burns
2. Grosjean
3. Cook
4. Interpretation
5. Hegemony

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

دنبال افرادی است که دارای صلاحیت‌های چند زبانی، چند فرهنگی و چند مهارتی باشند، بنابراین یکی از شاخص‌های متمایزکننده اروپای مدرن، آموزش چندزبانه و چندزبانگی است. بلژیک کشوری سه زبانه(هلندی، فرانسه، آلمانی) است، و قانون اجازه استفاده از آموزش چندزبانه را نمی‌دهد، ولی به خاطر بین‌المللی شدن، مبادله دانشجو و اشتغال پذیری فارغ‌التحصیلان در عمل حرکت به سمت آموزش چندزبانه است. **مالزی:** جذب دانشجویان بین‌المللی، همراه شدن خویشاوندان و دوستان آن‌ها که سرمایه زیادی برای کشور به ارمغان می-آورند، به شکلی از مواجهه چند فرهنگی برای قومیت‌های مختلف در مالزی منجر می‌شود و آموزش چندزبانه که به تعاملات بین فرهنگی و عدالت اجتماعی می‌پردازد را تقویت می‌کند. نکته جالب‌توجه این است که در دانشگاه‌های مالزی تدریس علوم انسانی که تغییرات زیادی را تجربه نمی‌کنند، از زبان مالایایی، ولی موضوعات علمی و فناوری که تغییرات روزانه را تجربه می‌کنند، از زبان انگلیسی به‌عنوان واسط آموزش استفاده می‌کنند. **استرالیا:** پس از درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، بیشترین درآمد را از شهریه‌های دانشجویان خارجی حاصل می‌کند، بنابراین زمینه مناسب برای رسیدن به استانداردهای جهانی من‌جمله ارائه محتوی جدید و به‌روز و زبان مشترک، لازمه پیشرفت و موفقیت بیشتر است. زبان‌های بومی و جزیره‌ای به‌عنوان میراث واحد و غیرقابل جایگزین استرالیا موردتقدیر هستند و تلاش‌های زیادی برای حفظ، ذخیره و حفاظت از این زبان‌ها صورت می-گیرد، چون کاربرد چندین مهارت زبانی، شاخص پایگاه اجتماعی است. جدی بودن در فرایند بین‌المللی شدن، اکولوژی، تنوع زبانی و آموزش چند زبانی را تشویق می‌کند.

ج) هم‌جواری[1] و مقایسه[2]:

در مرحله هم‌جواری، اطلاعاتی که از مراحل(۱و۲) جمع‌آوری‌شده بود، طبقه‌بندی و در کنار هم قرار گرفت تا چارچوبی برای (مقایسه) فراهم شود.(آقازاده،۱۳۹۲)

شباهت‌های آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب	تفاوت‌های آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب
۱. توجه به زبان ملی در برداشت‌ها و نگرش‌ها بیشتر است. ۲. سیاست‌های کلان کشورها تنوع زبانی را می‌پذیرند. ۳. چندزبانگی به‌عنوان میراث فرهنگی کشورها قلمداد می‌شود. ٤. تنوع زبانی و پذیرش زبان انگلیسی در کشورها وجود	۱. هر کشوری برداشت خاص خود از آموزش چندزبانه دارد. ۲. تنوع زبانی سیاست زبانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ۳. برخی سیاست‌ها مانع و برخی تسریع‌کننده هستند. ٤. تنوع زبانی بیانگر آموزش حداکثری و حداقلی است. ۵. میزان تنوع زبانی و تأکید بر زبان انگلیسی متفاوت

[1].Juxtaposition
[2].Comparison

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

دارد. ۵. زبان ملی در هر کشور دارای طرفداران بیشتری است. ٦. بین‌المللی شدن و استقرار زبان واسط علم مهم هستند. ۷. کیفیت‌بخشی به برنامه‌های آموزش چندزبانه مدنظر است. ۸. کمبود و کیفیت مدرسان در هر پنج کشور موردتردید است. ۹.کمبود مواد درسی چند نوشتاری، فقدان مهارت، ضعف ساختاری و تأمین مالی از مشکلات آموزش چندزبانه است. ۱۰. فناوری به‌صورت تکنولوژی و فرایند موردتوجه قرار دارد. ۱۱. پیامدهای مثبت در آموزش چندزبانه غالب‌تر است.	است. ٦. برنامه‌ریزی بر اساس شرایط اجتماعی، فرهنگی یا قوانین و سیاست‌ها، تأثیرات متفاوتی خواهد داشت. ۷. هر کشور برنامه خاصی را برای آموزش چندزبانه دارد. ۸. میزان ترس از هژمونی زبانی در کشورها متفاوت است. ۹.کشورهایی با نگاه بین‌المللی شدن، مشکلات کمتری را تجربه کرده‌اند. ۱۰. استفاده از یادگیری الکترونیکی و مشارکتی در کشورها متفاوت است. ۱۱. برداشت موانع قانونی در اجرا و با تأکید کمتر بر قانون برای رویارویی با واقعیت‌ها قابل‌حل است.

جدول۱. شباهت‌های و تفاوت‌های آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب

یافته‌های پژوهش

یافته ۱. برداشت‌ها از آموزش چندزبانه تابعی از دیدگاه‌ها و وضعیت فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهاست:

آموزش چندزبانه‌ای که به‌صورت مثبت نگریسته شود، سرمایه و حمایت بیشتری نسبت به دیگر برنامه‌ها به دست می‌آورد. آموزش چندزبانه موفق نخواهد شد، مگر اینکه کل سیستم در تسریع استفاده از چند زبان تلاش کند. نگرش نسبت به آموزش چندزبانه در حال حاضر مثبت است، زیرا تجربه دو یا چند فرهنگ در تجارب بین‌المللی به‌صورت یک رقابت درآمده است. در کشور ما گروهی سرسختانه در مقابل آموزش و برنامه‌ریزی چندزبانه قرارگرفته‌اند، برخی طرفدار آن هستند و تعداد اندکی نیز موضع بی‌طرفی اختیار کرده‌اند.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

افریقای جنوبی	در کشور افریقای جنوبی از دو زبان به‌عنوان میانجی آموزش استفاده می‌شود. اضافه کردن زبان سوم باهدف بقای دانشگاه صورت می‌پذیرد. زبان انگلیسی، زبان بین‌المللی و تجارت است و از آموزش چندزبانه به خاطر حفظ حقوق زبانی حمایت می‌شود.
ایالات متحده	در ایالات‌متحده، گرایش‌ها ملیتی می‌خواهند طوری جلوه دهند که آموزش و زبان رسمی راهبرد به دست آوردن اهداف می‌باشد. افراد زیادی آموزش چندزبانه را به خاطر اهداف سلطه گرانه خود رد می‌کنند.
بلژیک	در کشور بلژیک، مهارت داشتن در چندین زبان یک دارایی غیرقابل‌انکار است. مدیر یا وزیر دولتی بایستی مهارت کافی به زبانهای ملی داشته باشد. زبان هلندی و فرانسه نقش اساسی در زندگی افراد دارند.
مالزی	در مالزی برداشت از آموزش چندزبانه دوقطبی است. این دیدگاه می‌تواند مثبت یا منفی باشد. توجه به زبان انگلیسی دارای ایهام است، اینکه باید به آن اهمیت داده شود یا نه. برداشت از آموزش چندزبانه تابعی از دیدگاه‌هاست.
استرالیا	در استرالیا، طرز تفکر تک فرهنگی حاکم است. آن‌ها معتقدند که زبان انگلیسی کافی است ولی فعالیت-های بین‌المللی آن‌ها بیانگر توجه به تنوع زبانی و فعالیت‌های میان فرهنگی است. درواقع استرالیا یک ملت چندزبانه است.

جدول ۲. برداشت کشورهای منتخب از آموزش چندزبانه

یافته ۲. سیاست‌های زبانی در آموزش چندزبانه نقش مهمی دارند: سیاست زبانی در آموزش چندزبانه بسیار مهم است. الزامی بودن، مداخله حداکثری، ارائه حداقلی و بی‌تفاوتی ازجمله سیاست‌هایی هستند که بر آموزش چندزبانه تأثیر می‌گذارند:

افریقای جنوبی	در افریقای جنوبی چند زبانی به‌عنوان میراث معنوی کشور تلقی می‌شود. چندزبانگی برای اطمینان بخشی به برابری دسترسی و موفقیت در برنامه‌های یادگیری و آموزشی موردتوجه است. تنوع زبانی به‌عنوان یک منبع به‌جای مشکل در نظر گرفته می‌شود.
ایالات متحده	ایالات‌متحده درباره سیاست زبانی چهار دوره سهل گیری، محدودسازی، فرصت، کم‌توجهی و بی‌اعتنایی را پشت سر گذاشته است. در سیاست آموزش و سیاست زبانی یک‌روند و فرایند چندلایه وجود دارد. در ایالات‌متحده زبان ملی خاصی وجود ندارد و سیاست زبانی نتیجه دیدگاه‌ها و ارزش‌هاست. ایدئولوژی امریکا شدیداً تک‌زبانه است.
بلژیک	بلژیک کشوری چندزبانه با شرایط اصل شخصیتی و اصل سرزمینی است. سیاست‌های زبانی برای ملحق شدن به فرایند بلونیا در نظر گرفته‌شده‌اند. آینده کشور به‌صورت چندزبانه ترسیم‌شده است.
مالزی	در مالزی سیاست تبدیل زبان مالایا به زبان ملی مورد استقبال است. تأکید بر فراگیری زبان مالایایی و انگلیسی به‌عنوان زبان‌های آموزش است و فراگیری زبان مادری برای حفظ زبان‌های بومی و میراث فرهنگی مورد تأکید است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

استرالیا	در به دست آوردن سطح بالایی از خواندن و نوشتن به زبان استاندارد اهمیت دارد. انگلیسی استرالیایی است و چند زبانی شاخص پایگاه اجتماعی افراد است. تلاش برای چندزبانگی از طریق حفظ زبان‌های غیر از انگلیسی، زبان بومی و جزیره‌ای به‌عنوان میراث فرهنگی و غیرقابل جایگزین صورت می‌گیرد.

جدول ۳. سیاست زبانی آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب

یافته ۳. وضعیت زبان‌شناختی، تنوع زبانی و چند نوشتاری پیش‌شرط برقراری آموزش چندزبانه حداکثری می‌باشند و زبان مادری نقش زیادی در ایجاد دانش زمینه‌ای برای یادگیری زبان‌ها بازی می‌کند:

آموزش چندزبانه بر روی طیفی از آموزش چندزبانه حداقلی به سمت آموزش چندزبانه حداکثری درحرکت است. شرط برقراری آموزش چندزبانه حداکثری، تنوع زبانی در محیط، تنوع زبانی در رسانه و چند نوشتاری در محتوی است. وجود چندین زبان در آموزش چندزبانه به معنای واقعی موجود نمی‌باشد، ولی افرادی که به دانشگاه وارد می‌شوند، برای خود یک‌زبان مادری متصور هستند که نگرش‌ها، ارزش‌ها، احساسات و فرهنگ خاص خود را به همره دارد، هرچند ممکن است در برنامه درسی دانشگاه جایی نداشته باشد. زبان مادری به‌قدری مهم است که آموزش چندزبانه "آموزش اول زبان اول"[1] نامیده می‌شود. در این نوع آموزش، ابتدا زبان مادری و سپس به سمت دیگر زبان‌ها سوق داده می‌شود، چون زبان مادری دانش زمینه و شرایط مناسب برای دیگر زبان‌ها را فراهم می‌کند. مدیریت تنوع زبانی[2]، انسجام و برابری و توجه به ارتباطات میان فرهنگی[3] در آموزش چندزبانه در کانون توجه قرار می‌گیرد.

افریقای جنوبی	افریقای جنوبی دارای ۱۱ زبان رسمی است. زبان‌های اروپایی: پرتغالی، آلمانی، یونانی از اهمیت زیادی برخوردار هستند. زبانهای آسیایی، هندی، گوجاراتی، تامیل در کنار انگلیسی، افریکانس، زوخا دارای کاربرد هستند.
ایالات متحده	در ایالات‌متحده بیشتر مردم به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند. اقلیت‌هایی نیز وجود دارند که به زبان خودشان چون اسپانیایی، چینی، ویتنامی، لاوتیانز با یکدیگر در تعامل هستند.
بلژیک	در بلژیک آزادی انتخاب زبان وجود دارد. زبان ارتباطات، فرهنگ، تجارت، مذهب، دارای جایگاه خاص خود می‌باشد. زبانهای هلندی، فرانسوی و آلمانی نیز در این کشور رواج دارند.
مالزی	تنوع زبانی در مالزی شامل ۵۹٪ مالیایی، ۳۲٪ چینی، ۹٪ هندی، زبان انگلیسی، ماندرین و تامیل می‌باشد. زبان مادری زبان ارتباطات عمومی است و زبان انگلیسی میانجی آموزش و فناوری و علوم پایه به‌حساب می‌آید.

1. First language, first education
2. Diversity language management
3. Intercultural communication

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

استرالیا	تنوع زبانی زیاد و اکولوژی زبانی و تنوع ساختاری به دلیل فعالیت‌های گسترده بین‌المللی به چشم می‌خورد. زبان‌های اروپایی: فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی، لالی رواج دارند و زبان‌های آسیایی: کره‌ای، چینی، اندونزیایی، ژاپنی با شکل گرفتن تعاملات بین‌المللی در حال گسترده شدن است.

جدول ٤. وضعیت زبان‌شناختی کشورهای منتخب

یافته ٤. برنامه‌های آموزش چندزبانه بر اساس توانمندی‌های جامعه از بعد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی طراحی‌شده‌اند:

افریقای جنوبی	در افریقای جنوبی هدف ارتقای سه زبان انگلیسی، افریکانس، زوخا است. راهبرد توسعه مهارت و هشیاری چندزبانگی نیز مورد تأکید است.
ایالات متحده	در ایالات‌متحده غوطه‌ورسازی زبانی و تمرکز بر زبان دوم در برنامه‌ها دیده می‌شود. زبان انگلیسی رویکرد مهم در غوطه‌ورسازی است. زبان انگلیسی در سطح زبانی برای یادگیری مهارت سطح بالا و مهارت‌های ارتباطی مورد تأکید است. برنامه‌ها در جهت فعالیت‌های بین شخصی و مهارت شناختی زبان دانشگاهی گام برمی‌دارند.
بلژیک	در بلژیک هلندی‌زبان آموزش دانشگاه گنت است. برنامه‌های آموزش هم‌زمان چند زبان نیز دیده می‌شود. برگزاری تست مقدماتی برای آموزش برنامه‌ها موردتوجه است. برنامه اراسموس، غوطه‌ورسازی دانشجویان در فرهنگ اروپایی و برنامه‌های گرادویج، لئوناردو داوینچی در جهت تنوع‌بخشی به زبان‌ها است. حرکت از زبان هلندی به زبان انگلیسی است.
مالزی	در مالزی برنامه‌های کمکی با کشورهای کمور، لاو، ویتنام، میانمار برگزار می‌شود. مشارکت پژوهشی و برنامه‌های جابه‌جایی به چندزبانگی کمک می‌کند. در این کشور پایه خوب در زبان انگلیسی برای استفاده از آن به‌عنوان زبان واسط علم پیشرفت کرده است.
استرالیا	استرالیا جدی‌ترین کشور در فرایند بین‌المللی شدن است. در این کشور تمرکز بر یادگیری، آموزش و حمایت دانشجو است. فرایند بلونیا و شناسایی کیفیت در سطح بین‌المللی موجب تنوع بخشیدن به فعالیت‌های زبانی شده است. جذب و افزایش دانشجویان بین‌المللی نیز به‌عنوان کاتالیزور چندزبانه شدن را تسریع بخشیده است. برنامه‌های آموزش چندزبانه جهت آماده کردن دانشجویان برای انجام انعطاف‌پذیر مشاغل در بازار کار متغیر به کار می‌رود.

جدول ۵. برنامه‌های آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب

این نتیجه با پژوهش شریف و همکاران(۱۳۹۱) همخوانی دارد. ازنظر آن‌ها برای تضمین اجرای روان و راحت برنامه‌ریزی چندزبانه، اختصاص معقولانه وقت، محیط کار مناسب و بودجه نیاز است، همچنان که دسترسی راحت به متخصصان، بحث و گفت‌وگوی مداوم و اعتقاد به دریافت بازخورد نیز ضروری است. یک بررسی در حوزه امکانات نشان می‌دهد که دو بعد سیاسی و مواد آموزشی باید در امکان‌سنجی مورد ملاحظه قرار گیرند. در کشور ایران که تنوع زبانی وجود دارد، برای بقای دانشگاهی در سطح جهان، لازم است به‌طورجدی وارد

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

فرایند بین‌المللی شدن شد. باید واقعیت زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط علم به رسمیت شناخته شود و در کنار زبان بومی و ملی مورداستفاده قرار گیرد. زبان بومی باید به‌گونه‌ای باشد که وحدت در تنوع و دموکراسی زبانی حفظ شود. دانشگاه‌ها بر اساس منابع مالی و اقتصادی خود، برنامه‌های آموزش چندزبانه را بر مبنای تقاضا و بازار کار و معطوف به بازارهای جهانی برنامه‌ریزی کنند و آموزش چندزبانه به‌عنوان پلی میان فرهنگ‌ها، دیدگاه‌ها، تعاملات و تلاقی اندیشه‌ها در یک بستر فرهنگی مناسب رشد می‌یابد. در ایران برنامه‌های غوطه‌ورسازی به خاطر اینکه هنوز ساختارها شکل نگرفته‌اند، می‌توانند مفید باشند.

یافته ۵. مشکلات عمده کشورها در آموزش چندزبانه، عمدتاً از نوع نگرشی، قانونی و ساختاری می‌باشند:

ایدئولوژی‌ها و نگرش‌ها تشکیل‌دهنده فرایند برنامه‌ریزی هستند. برنامه‌ریزی زبانی می‌تواند سبب ارتقای چندزبانگی یا مانع پیشرفت آن شود. چنانچه انتخاب زبانی به‌صورت صحیح و کارشناسانه صورت نگیرد، می‌تواند منجر به مشکلاتی گردد. در کشور ما ایران، مشکلات نگرشی و برداشت منفی از آموزش چندزبانه آن‌هم بدون پایه و اساس وجود دارد. اغلب نگرانی‌ها در مورد جنبه‌های منفی آموزش چندزبانه آشکارا به موضوعات فرهنگی، زیباشناسی و آموزش ارتباط دارند که دغدغه‌های فکری افراد درگیر در چندزبانگی را پنهان می‌دارد. این مسائل موردبحث به مواردی چون سلطه‌گری، نخبه‌گرایی، قومیت‌گرایی، کنترل اقتصادی، پایگاه اجتماعی و امنیت گروهی بسیار نزدیک می‌باشند. ذاکر صالحی(۱۳۹۵)، مهم‌ترین چالش بین‌المللی شدن در کشور ایران را، تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، مشخص نبودن اهداف و جهت‌گیری اصلی، نبود مراکز مشاوره تخصصی برای راهنمایی و هدایت دانشجویان، معرفی زبان فارسی به‌عنوان تنها زبان برای آموزش و یادگیری، پایین بودن امکانات آموزشی و رفاهی، جذب حداقلی دانشجو از کشورهای پیشرفته و نبود فرهنگ تعامل و همدلی بین دانشجویان ایرانی و غیر ایرانی می‌داند.

افریقای جنوبی	در افریقای جنوبی نداشتن دانش کافی نسبت به‌ضرورت و اهمیت آموزش چندزبانه مشکل تلقی می‌شود. این مشکل در مدیران دانشگاهی بیشتر وضوح دارد. تحصیل در مدارس غیر برخوردار و آماده نبودن برای آموزش چندزبانه از دیگر مشکلات است. مشکل فهم زبان میانجی و مشکل داشتن مدرسان زبده را نیز می‌تواند اضافه کرد. هژمونی زبان انگلیسی فرصت فعالیت را از دیگر زبانهای در دسترس گرفته است.
ایالات متحده	عدم توجه و دانش نسبت به آموزش چندزبانه در بین دست‌اندرکاران آموزش عالی از مشکلات آموزش چندزبانه در این کشور است. کمبود مدرس تعلیم‌دیده در آموزش چندزبانه و غیر منعطف بودن برنامه‌های درسی نیز خودنمایی می‌کند. فقدان مهارت‌های دانشگاهی و فرصت‌های آموزشی را به‌عنوان سد راه آموزش عالی چندزبانه می‌توان در نظر گرفت.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

بلژیک	در بلژیک فقدان مدرس ماهر برای آموزش چندزبانه بزرگ‌ترین مانع است. کاربرد فشرده زبان انگلیسی سبب تهدید هویت فرهنگی کشور شده است و منجر به فراموشی ریشه و فرهنگ کشور خودی شده است. نبود امکانات ساختاری و موانع قانونی برای گسترش آموزش چندزبانه تفکر چند فرهنگی و تنوع‌بخشی زبانی را کند کرده است.
مالزی	در این کشور رقابت آشکاری بین زبان انگلیسی و زبان مالایایی وجود دارد. انتقادات ساختاریافته زبان انگلیسی به خاطر عرق ملی مانع‌تراشی می‌کند و کمبود مدرس در کشور، هم در مالزیایی بهاسا و هم انگلیسی سیستم آموزش عالی را رنج می‌دهد. کمبود مواد درسی هم در زبان مالیایی و هم در موارد درسی انگلیسی مانند سایر کشورها متداول است.
استرالیا	در استرالیا توانایی ضعیف مدرسان و مهارت ناکافی دانشجویان آموزش چندزبانه را تهدید می‌کند. روش-های نامناسب و منابع ناکافی در آموزش چندزبانه را هم می‌توان اضافه کرد. ضعف بیان عملکرد خود به زبان انگلیسی و عملکرد شنیداری پایین حاکی از تنوع زبانی در این کشور است. دسترسی هم‌زمان به مطالب نوشتاری و گفتاری و اثر منفی آن به خاطر راستی آزمایی، از دیگر مشکلات آموزش چندزبانه در این کشور است.

جدول ٦. مشکلات آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب

یافته ٦. آموزش چندزبانه در کشورها سبب حرکت فرایندهای آموزشی به سمت یادگیری تعاملی و استفاده از فناوری‌های یادگیری شبکه‌ای، رسانه‌های چندمنظوره، شبکه‌های اجتماعی و یادگیری الکترونیکی شده است:

این یافته‌ها در راستای مطالعه پاپوا[1] و همکارانش(۲۰۱۵) است، که به بررسی برنامه درسی آموزش چندزبانه در دوره فوق‌لیسانس رشته زبان انگلیسی پرداختند. آن‌ها دریافتند که آموزش چندزبانه کلید موفقیت است، زیرا یادگیری مشارکتی زبان و فرهنگ‌ها، شکل‌گیری شخصیت چند فرهنگی چندزبانه‌ها را که برای یادگیری مادام‌العمر موردنیاز است، را بالا می‌برد. به کار بردن موبایل و اینترنت و رسانه‌های اجتماعی واقعیت‌هایی هستند که مدرسان و طراحان برنامه درسی با رویکرد آموزش چندزبانه باید به‌عنوان ابزار یادگیری در قرن ۲۱ بپذیرند. محیط یادگیری الکترونیکی، با انتشار دانش از طریق اینترنت قابل‌تشخیص است. کلاس‌های آینده بر اساس عملکرد سیستم‌های یکپارچه فعال خواهند بود. پیش‌شرط استفاده از سیستم‌های یکپارچه پوشش عمومی ابزار موبایل و وایت بردهای تعاملی و تخته‌های هوشمند خواهد بود.(مارلینا[2]،۲۰۱۳)

افریقای جنوبی	در افریقای جنوبی، پروژه های آموزش چند زبانه برای ارتقای ارتباطات میان فرهنگی اجرا می شود. راهبرد توسعه هشیاری انتقادی میان کارکنان و هشیاری چند زبانی میان دانشجویان و ارتقای چند زبانگی است. از پایگاه داده‌ها، نامه های الکترونیکی، وب سایت، گفت و گوهای اینترنتی، وب لاگها و ویکی ها برای تقویت آموزش چندزبانه استفاده می شود.
ایالات متحده	رویکرد نگهدارنده برای دانشجویان تازه ورود و ترویج آموزش چند زبانه به کار می رود. رویکرد انتقالی آموزش به چندزبان برای افرادی که به صورت مهاجر وارد کشور می‌شوند بیشتر کاربرد دارد. تلاش برای حرکت از زبان مادری به سمت زبانهای دیگر است.
بلژیک	تمرینها، تکالیف و پروژه‌ها راهبرد ارتقای آموزش چند زبانه هستند. آموزش از راه دور الکترونیکی و دوره هایی در چارچوب یادگیری مادام‌العمر برای اشاعه آموزش چند زبانه رواج دارد. استفاده از ویدیو کنفرانس ها برای ایجاد انگیزه در آموزش چند زبانه متداول است.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

مالزی	مواد درسی سازمان‌یافته و تجهیزات در دسترس کمک‌کننده آموزش چندزبانه هستند. ضبط‌صوت، نوارهای ویدیویی، برنامه‌ها، یادگیری زبان و آموزش چندزبانه را تسریع می‌کنند. جلسات گفتگو در کلاسهای کوچک، درس آزمایشگاهی برای ترویج آموزش چندزبانه در نظر گرفته می‌شود.
استرالیا	فناوری‌های چندحالته بیانگر توجه به تنوع زبانی و فرهنگی است. مبادلات بین فرهنگی و یادگیری در خانه به‌دوراز محل تحصیل صورت می‌گیرد. یادگیری شبکه‌ای و اجتماعی نشانگر اهمیت آموزش چندزبانه و آماده کردن افکار برای پذیرش تنوع فرهنگی است. آموزش از طریق فن‌آوری در سطح کوچک و ارتباطات چهره به چهره صورت می‌گیرد.

جدول ۷. فناوری‌های مورداستفاده در آموزش چندزبانه

یافته ۷. مطابق یافته‌های کشورهای موردمطالعه، موانع نگرشی، قانونی و ساختاری در آموزش چندزبانه از طریق شناساندن اهمیت آموزش چندزبانه در بین‌المللی شدن، ایجاد دانش لازم نسبت به شناخت این پدیده در مدیران و سیاست‌گذاران، تصویب قوانینی که در آموزش چندزبانه به‌عنوان کاتالیزور عمل می‌کنند و تخصیص منابع مالی مناسب، از میان برداشته‌شده‌اند:

با اختصاص بودجه لازم، مدرسان باکیفیت، مواد درسی مناسب، فناوری‌های نوین آموزش چندزبانه تدارک دیده می‌شود. دواز[1] و همکارانش(**۲۰۱۳**)، در پژوهشی رشد بی‌سابقه و سریع آموزش با زبان واسط انگلیسی را در سراسر جهان تائید کردند و این پدیده را جزء فرایند بین‌المللی شدن آموزش عالی دنیا می‌دانند. همچنین آن‌ها اذعان دارند، اکنون زبان انگلیسی به‌عنوان واسط علم در کشورهایی با زبان ملی غیر انگلیسی کمکی به یادگیری زبان و محتوی علمی به‌روز است. نکته مورد تأکید این پژوهشگران، استفاده از استادان مسلط به محتوای علمی و زبان انگلیسی در رابطه با زبان واسط علم است و راه‌حل جبران کمبود چنین مدرسانی به‌کارگیری هم‌زمان مدرسان، یکی مسلط به زبان و دیگری به محتوی در هر کلاس می‌دانند.

افریقای جنوبی	مدیریت زبانی ساده ولی سازمان‌یافته می‌تواند به حل مشکل آموزش چندزبانه کمک کند. شناسایی مشکلات زبانی و حرکت به سمت راه‌حل‌ها و تمرکز بر اقدامات مطالعه و آموزش راه را برای پیشرفت آموزش عالی چندزبانه هموار می‌کند.
ایالات متحده	استقرار دفتر یا اداره برای امور آموزش چندزبانه در دستور کار قرار دارد. توسعه برنامه‌های چندزبانه برای کمبود مدرس نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد. تهیه مواد درسی در گروه‌های زبانی و سازمان‌های خودشان آموزش چندزبانه را حمایت می‌کند. آشنایی افراد و سیاست‌گذاران بااهمیت آموزش چندزبانه از طریق رسانه می‌تواند به حل مشکلات کمک کند.

[1] Doiz

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

بلژیک	تأکید کمتر بر قانون برای رویارویی با واقعیت‌ها موردتوجه دست‌اندرکاران آموزش عالی است. گذراندن دوره‌های استاندارد C1, B2 برای ارتقای زبان ملی و بین‌المللی باید موردعنایت قرار گیرد. برطرف کردن موانع ساختاری و قانونی برای اعتلای آموزش چندزبانه در این کشور می‌تواند ثمربخش باشد.
مالزی	تخصیص منابع مالی بیشتر و تلاش برای افزایش در میزان و تعداد تخصیص منابع برای کشوری که زبان انگلیسی را به‌عنوان واسط علم پذیرفته است مؤثر است. حل مشکلات برداشتی از آموزش چندزبانه از طرق رسانه‌ها قابل‌حل است. ارزیابی برنامه‌ها و استقرار آموزش چندزبانه به‌صورت رسمی و فارغ از قانون‌گرایی راه‌حل کلیدی است.
استرالیا	تشویق در به‌کارگیری آموزش چندزبانه با توجه به فعالیت گسترده در جهت بین‌المللی شدن مفید است. به‌کارگیری برنامه‌ها هم در دبیرستان‌ها و هم مؤسسات آموزش عالی کاتالیزور آموزش عالی چندزبانه است. کیفیت‌بخشی زبان انگلیسی در ارتباط با محتوی و دسترسی به اینترنت تقویت‌کننده حلقه‌های بین زبانی و فرهنگی خواهد بود.

جدول ۷. راه‌حل‌ها برای رفع مشکلات آموزش چندزبانه در کشورهای منتخب

یافته ۸. دلایل کاربردی، دلایل ابقا، دلایل مالی، دلایل آرمان‌گرایانه و دلایل آموزشی، پیامدهای مثبت آموزش چندزبانه در فرایند بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها هستند و استفاده از زبان واسط علم در آموزش باید مدنظر قرار گیرد:

این نتایج در راستای مطالعه اصغرزاده و خراسانی(۱۳۹۵)، درباره تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها در اروپاست. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کشورهای اروپای غربی و شمالی در بین‌المللی شدن آموزش عالی موفق عمل کرده‌اند. این موفقیت در جذب دانشجویان بین-المللی، رتبه دانشگاه‌های آن‌ها، میزان تولیدات علمی و اسناد به‌وضوح دیده می‌شود. استفاده از زبان واسط در آموزش دانشگاهی موجب توانمندسازی دانشجویان بومی زبان بین‌المللی می‌شود و دانشجویان می‌توانند یافته‌ها و تولیدات علمی خود را به زبان بین‌المللی با دنیا به اشتراک بگذارند. استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش، کمک شایانی به بین‌المللی شدن آموزش عالی و تسریع این روند می‌کند(شورای اروپایی،۲۰۰۳). کشور ایران و دانشگاه‌ها نیز از فرایند بین‌المللی شدن منفک نخواهند بود و دیر یا زود باید برای بقای دانشگاه‌ها و قرارگرفتن در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی تلاش بیشتری بنمایند. اقتصاد دانش و تجاری شدن پژوهش‌های دانشگاهی و ارتباط دانشگاه با صنعت مواردی نیستند که بتوان با آموزش سنتی به آن دست‌یافت. بنابراین لازم است از تجارب بین‌المللی که یکی از موارد تبادل استاد و دانشجو و پژوهش‌های مشارکتی است، استفاده شود و آموزش چندزبانه برای تعاملات بین‌المللی به‌صورت کاتالیزور و تسریع‌کننده فرایند بین‌المللی شدن عمل خواهد کرد.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

نتیجه‌گیری

آموزش چندزبانه یک اصطلاح ساده بیان یک موضوع پیچیده است. آموزش چندزبانه فقط آموزش به چند زبان یا استفاده از چند زبان در آموزش نیست، بلکه دارای مفهوم ارتباطات میان فرهنگی است که میان اعضای فرهنگ‌ها در تماس، یا میان سخنگویان و نمایندگان فرهنگی رخ می‌دهد(استیفن[1]،۲۰۰۹). ارتباطات میان مردمانی که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهایشان به‌اندازه‌ای گوناگون است که می‌تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال نماید. استراتژی آموزش چندزبانه این است که صحبت کردن با دیگر زبان‌ها و فهم دیگر فرهنگ‌ها، ارتباطات بین رشته‌های مختلف اروپا را تقویت می‌کند و زبان‌ها، راهی را معرفی می‌کنند که بایستی برای انسجام و گفتگوی میان فرهنگی دنبال شود. بر اساس ویژگی‌های محیط آموزشی چند فرهنگی، محتوی سیستم آموزشی مدرن در آموزش چند فرهنگی باید دارای معیارهایی چون ایده‌های آزاد، غیرتهاجمی، ویژگی‌های واحد قومی و هویت ملی باشد.(گوربونوا،۲۰۱۳)

نظر به اهمیت آموزش چندزبانه در جذب دانشجویان بین‌المللی و تعاملات علمی و فرهنگی، اجرایی شدن اصول ۱۵،۱۶و ۱۹ قانون اساسی برای آموزش چندزبانه در سطح خرد(نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزشیابی)، در مؤسسات خصوصی و در مقیاس کوچک در دانشگاه‌ها به اجرا درآید. تنوع زبانی و جذب دانشجویان بین‌المللی مورد استقبال و زمینه‌ای برای آموزش چندزبانه در دبیرستان‌ها فراهم شود. برداشت‌های مثبت، سازوکارهای قانونی و ساختارهای مناسب برای پیشبرد آموزش چندزبانه در دانشگاه‌ها تقویت شود. یادگیری مشارکتی و کیفیت‌بخشی به مدرسان آموزش چندزبانه از طریق استانداردهای پذیرفته‌شده در دستور کار قرار گیرد. زبان فارسی در دانشگاه‌ها برای دروس علوم انسانی و عمومی و زبان انگلیسی برای دروس تخصصی که دارای تغییرات بیشتری هستند، مورداستفاده قرار گیرند. نوشتن پایان‌نامه‌ها به زبان انگلیسی صورت پذیرد و فرصت-های مطالعاتی برای دانشجویان مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی برای مشاهده کم و کیف آموزش چندزبانه و مصاحبه با صاحب‌نظران و کارشناسان در برنامه‌ریزی زبانی آموزش چندزبانه فراهم شود و زبان مادری در کنار زبان ملی و بین‌المللی با ایجاد تنوع زبانی و نوشتاری تقویت شود. باید محیط آموزش چندزبانه برای فعالیت بین‌المللی فراهم شود، به‌طوری‌که دانشجویان خارجی به‌راحتی بتوانند در جامعه رفت‌وآمد داشته باشند و مزاحمتی برای آن‌ها به وجود نیاید. تنوع زبانی با ورود دانشجویان خارجی فراهم شود و فرهنگ مردم ارتقا یابد و دیدن یک فرد خارجی را در کنار خود عجیب جلوه ندهند. امکانات برای به‌جا آوردن مراسم مذهبی و تفریحات معمول در اختیار آن‌ها قرار بگیرد. امکانات اقامتی و پیشرفت با هزینه پایین به آن‌ها ارائه شود تا رغبت داشته باشند بستگان و خویشاوندان را نیز در سفرهای خود به همراه داشته باشند و ارتباطات میان فرهنگی از طریق معرفی نمادها[2] و مشخصه‌های کشور به آن‌ها حاصل شود.

1. Stephen
2. Symbols

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

منابع

- آقازاده، احمد(۱۳۹۲). مسائل آموزش‌وپرورش ایران. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- اصغرزاده، نسرین و خراسانی، اباصلت(۱۳۹۵). تأثیر استفاده از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان واسط آموزش علم در بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها: مطالعه تطبیقی در اروپا. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دوره ۲۲،شماره ۳، ۱۳۹۵، صص.۱۱۱-۸۹.
- بازرگان، عباس، عامری،رضا(۱۳۸۹). نگاهی دیگر به ساختار سازمانی مناسب برای ارزیابی کیفیت در سطوح دانشگاهی و نظام آموزش عالی کشور. مجموعه مقالات چهارمین همایش ارزیابی درونی کیفیت در نظام دانشگاهی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.صص۱۵-۵.
- ذاکرصالحی، غلامرضا(۱۳۹۱). آموزش عالی مالزی، تحولات و چشم‌اندازها، نامه آموزش عالی، سال پنجم، شماره نوزدهم.
- ذاکر صالحی، غلامرضا(۱۳۹۵). آموزش عالی و جذب دانشجویان خارجی. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- زرافشان، علی(۱۳۹۳). هنوز نمی‌دانیم چه زبان‌هایی را باید آموزش بدهیم. نامه شورا، شماره،۹۵ تیرماه.
- سعید آبادی، محمد رضا(۱۳۹۳). روندهای آموزش عالی جهانی. رهگیری یک انقلاب دانشگاهی. تهران. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- شریف، مصطفی و همکاران(۱۳۹۱). امکان‌سنجی برنامه‌ریزی درسی دوزبانه در آموزش ابتدایی مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی و غربی. مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های برنامه درسی" انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. شماره اول، صفحات ۵۸-۳۳.
- عزیزی، امین(۱۳۹۶). آموزش‌وپرورش چندزبانگی بلژیک. ماهنامه چیا، شماره دوم.
- فاضلی، نعمت الله(۱۳۹۳). فرهنگ و دانشگاه. منظره‌های انسان‌شناسی و فرهنگی. انتشارات ثالث، تهران.
- محبی، علیرضا(۱۳۹۵). مزایای دوزبانه بودن استرالیا. www.sbs.com.au/nlc.
- ورنر زد، هیرش - لوک ای، وبر(۱۳۸۱). چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم. ترجمه گروه مترجمین. به کوشش رضا یوسفیان. موسسه و انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).

- Adesope, O., Lavin. T., Thompson, T., & Ungerleider,C.(2010). A systematic review and meta analysis of the cognitive correlations of bilingualism. Review of educational research, 80, 207-245.
- Baetens B. H.(2003). Who is afraid of bilingualism? In J.M. Dewaele, A.Housen and L.Wei. Bilingualism: Beyond Basic Principles. Clevedon Multilingual Matters.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

- Baldauf, R.B.(2006). Rearticulating the Case for Micro language Planing in a Language Ecology Context. Current Issues in Language Planning. NO. 2: 147-170.
- Bialystock,B.(2016).”Bilingual education for young children: review of the effects of concequences;”international Journal of Bilingual Education and Bilingualism. Doi: 1080/13670050.2016.1203859.
- Bianco, J. L.(2003). Brief outline of the Australian language policy experience. Interagency Language Routledge.
- Brisk, M. E.(2006). Bilingual education: From Compensatory to Quality Schooling. Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publishers.
- Burns,A and Vu, N.(2014). English as a medium of instruction: Challenges for Vietnamese TertiaryLectures. The journal of Asia TEFL. Vol.11,NO, 3, pp.1-31,Fall,2014.
- Butcher, N.(2008). ICT and Higher Education, A Summary of Key, Issues for Consideration.Unpublished Discussion Prepared for the first Conference. The New Dynamics of Higher Education.
- Cook, V.(2003). Introduction the changing L1 in the L2 user's mind, in Cook(Ed), Effect of the second language on the first. Clevedon. Multinational Matters.
- Council of Europe.(2003). Common european framework of reference for languages: Learning,Teaching, Assessment. Language Policy Division, Stransbourg. Available at www. Coe.int/t/dg4/.linguistic/CADRE-EN.asp.
- Crawford, A. N.(2002). Bilingual education in the United States: a window on the Latvian situation. Intercultural Education, Vol. 13, No. 4.
- Cummins, C.(2007). Multilingual education, in in Cenoz, Hasone (2009) towards multilingual education. Multilingual Matters.
- Doiz, A., Lasagabaster, D., & Sierra,J.(2013). English-medium instruction at universities: Global Challenges. Multilingual matters.
- Gorbunova, N.(2013). Problems of multilingual education environment. International of Multilingual Education.pp.1-8.
- Grigule,L., & Mincane, R., & Odina I.(2014). Introducing professional terminology in multilingual education teacher programmes: Reasoning and Practice, University of Latvia.
- Grosjean,F.(2008). Studying bilinguals. Oxford University Press.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

- Janssens, R. M., Virginie, & M. L.(2013). Multilingual higher education in European regions. Acta Universitatis Sapientiae. European and Regional Studies, 3(2013), 5-23.
- Kirkpatrick,A.(2010). English as a lingua franca in ASEAN: A multilingual model. Hong Kong university press.
- Leevwen, C. V.(2004). Multilingual universities in Europe: model and realities. M aastricht university, Netherlands.
- Leibowitz, B.(2005). Learning in an additional language in a multilingual society: A South African case study on university level writing. In TESOL quarterly, Vol.39.NO.4.pp.661-681.
- Leung, C.(2005).Language and content in bilingual education. Linguistics and Education. 16,238– 252.
- Madiba, M.(2010). Towards Multilingual Higher Education in South Africa: The university of Cape Town's experience. The language learning journal, Volume 38,2010.
- Marlina, R.(2013). Globalization, Internationalization, Language education: an academic program for global citizens. Multilingual education.
- Martens, M and Boullart, L.(2011). Towards best practices in continuing education at the IVPV-Ghent university.Belgium.
- Mocinic, A. (2011). Bilingual education. Metodicki obzori 13, vol. 6(2011)3.
- May,S.(2007). Typology of multilingual education, in Cenoz, Hasone (2009) towards multilingual education. Multilingual Matters.
- Naher, S, Olabi, A.G., Gallagher, F. & Tam,A.G.(2012). A comparative study of the implementation of EMI in Europe, Asian and Africa. social and behavioral sciences. 47:1417-1425.
- Odoyo Okal, B.(2014). Benefits of Multilingualism in Education. Universal Journal of Educational Research.2(3):223-229.
- Patton, M.Q.(2015). Qualitative researcgh & evaluation methods: Integrating theory and practice.(Fourth edition). Thousand Oaks, California: SAGE publications, Inc.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]

- Popova, I., Anisimova,A., & Bezrodnykh,I.(2015). Multilingually and multiculturally oriented master's curriculum: Oles Honchar Dnipropetrousk National University Experience, Ukraine, pp.12-25.
- Prutsch, M.(2015). Internationalisation of higher education. European parliament.
- Schmit, Eric C.(2009). The 3 Teaching methods in bilingual classes. The New York Times.
- Shah, P.M. & Ahmad, F.(2007). A comparative account of the bilingual education programs in Malaysia and the United States. GEMA Online Journal of Language Studies, 7(2).63-77.
- Skutab-K. & Macarty, C.(2007). Continua of multilingual education, in cenoz, Jasone (2009), Towards multilingual education. Multilingual Matters.
- Spolsky,B.(2007). The Challenge of Language Policy in a Multilingual Nation. In Multilingualism and Exclusion Policy, Practice and Prospects. P. Cu ve lier, T. du plessis, M. Meeawis and L. Teck.197-206. Pretoria: Van Schaik.
- Stephen W., Littlejohn, K. A. F.(2009). Encyclopedia of Communication Theory, Sage, pp.247-250.
- UNESCO.(2003). Education in a Multilingual World: UNESCO Education Position Paper Retrieved from.http://unesdoc.unesco.org/images/0012/001297/129728e.pdf.

[Downloaded from ihej.ir on 2026-11-02]